

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و ششم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 19 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از مراحل مهم بحث را پشت سر گذاشتیم و به فضل الهی به نقطه روشنی رسیدیم و با نظر معروف همراه شدیم؛ از نظر نصوص مساله حجیت خبر واحد را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اگر خبری را ثقه نقل کند به شرطی که اطمینان به خلافش نداشته باشیم قبول می کنیم چنانکه اگر خبری را غیر ثقه نقل کند اما به انضمام قرآنی به وثوق به صدور برسیم آن خبر را هم قبول می کنیم ( مشهور هم همین را می گویند اما ما نظر مشهور را درست تبیین کردیم)

مروری بر ادله حجیت خبر واحد

در مورد اجماع مطرح شده بر حجیت خبر واحد ما گفتیم که این اجماع قابل اعتنا نیست چرا که از هر دو طرف اجماع ادعا شده است چه نفیاً و چه اثباتاً؛ در بحث استفاده از قرآن، نظر ما خلاف مشهور شد چرا که مشهور از قرآن حجیت خبر واحد را استفاده می کردند اما ما نتوانستیم استفاده کنیم بلکه گفتیم قرآن اقتضا بر رد حجیت خبر واحد دارد؛ در مرحله سوم به حجیت خبر واحد از طریق روایات پرداختیم و به نقطه روشنی رسیدیم؛ مرحله چهارم، مرحله بنا عقلاست.

بنا عقلا بر حجیت خبر واحد

راجع به بنا عقلا، عموم امروزی ها این دلیل را قبول کرده اند بلکه طیف وسیعی از امروزی ها می گویند عمده دلیل حجیت خبر واحد همین دلیل است بلکه برخی پا را فراتر گذاشته اند و گفته اند تنها دلیل حجیت، همین دلیل است. شما الان اگر کتاب مرحوم نائینی، مرحوم خویی، مرحوم امام و... را ببینید متوجه می شوید که عمده دلیل حجیت خبر واحد بنا عقلاست حتی اگر کتاب مرحوم روحانی را ببینید متوجه می شوید که ایشان تنها دلیل حجیت خبر واحد را همین بنا عقلا می دانند.

کلام مرحوم خویی در تمسک به بنا عقلا

از کسانی که همین تعبیر را دارد آقای خویی است در کلام ایشان نکاتی وجود دارد ایشان می فرماید: ان العمدة فی حجیة خبر الواحد هی السیرة ... بعد توضیح می دهد و می فرماید ما وقتی به عقلا مراجعه می کنیم می بینیم عقلا به خبر صحیح السند (شیعه دوازده امامی) عمل می کنند، حال اگر راوی شیعه دوازده امامی نباشد بلکه یک شخص متعهد فرهیخته باشد که دروغ هم نمی گوید عقلا به خبر چنین کسی هم عمل می کنند، اگر فرض کنید که راوی شیعه است اما مدح دال بر وثاقت ( مانند ثقة ) یا نمی در مورد او گفته نشده است حال ممکن است یک مدحی هم در مورد او باشد مثلاً در مورد او گفته شده باشد شیخ من اصحابنا یا شیخ القمیین، استاذ الاساتذہ و... که به این می گویند راوی ممدوح است و چنین خبری را خبر حسن گویند. اما در صورتی که راوی ضعیف باشد (چه راوی امامی چه غیر امامی) خبر رد می شود. استاد: اینکه بنده کلام آقای خویی را نقل کردم به خاطر این است که این چهار قسم در کلام ایشان مطرح شده است و در کلام دیگران اینچنین نیست.

نکته: در مورد خبر حسن اختلاف است اشخاصی مثل آقای خویی می فرمایند به خبر حسن عمل می شود اما مرحوم امام خمینی معتقد است نباید به خبر حسن عمل شود.

استاد: بنا عقلا بر حجیت خبر واحد داریم و اگر شارع دعوت نکرده باشد ردع هم نکرده است و لذا از عدم ردع شارع به امضا می رسیم.

به نظر ما مجموعاً دو اشکال مهم به این دلیل گرفته شده است اما اگر به خبر حسن توسعه دهیم اشکالات به عدد چهار خواهد رسید.

## اما بیان دو اشکال

1\_ شما می گوئید عقلا همیشه به خبر ثقه عمل می کنند چه کسی گفته عقلا چنین بنایی دارند؟ بلکه عقلا به اطمینان خود عمل می کنند. آیا عقلا در مهام امور به صرف خبر ثقه عمل می کنند یا میروند جستجو می کنند؟  
آیا کسی که عمل جراحی کمر دارد به صرف گفته یک متخصص عمل می کند؟! پس عقلا به صرف خبر ثقه عمل نمی کنند بلکه به اطمینان خودشان عمل می کنند پس چنین مواردی از محل بحث ما که عمل به خبر واحد بدون حصول اطمینان است خارج است.

2- حالا عقلا چنین کاری می کنند شما فرمودید شارع ردع نکرده است پس آیاتی که نهی از متابعت غیر علم می کند چیست؟ مثلاً آیه می فرماید لا تقف ما لیس لک به علم ... خبر واحد مسلّم از موارد علم نیست.

این دو اشکال عمومی است اما اشکال سوم و چهارم مربوط به کسانی است که خبر حسن را هم داخل در بحث می کنند.  
مقدمه اشکال: دوستان وقتی صحبت از بنا عقلا می شود ما ادبیات بحثمان باید ادبیات عقلایی و جهانی باشد نه ادبیات مذهبی و درون دینی؛ اینکه خبر چهار قسم شود این ادبیات مذهبی است در بین عقلا ما تفکیک بین عادل و موثق نداریم. عقلا معمولاً کار دارند که کسی راست می گوید یا نه، تعهد کاری دارد یا نه؛ اینکه نماز صبح بخواند یا نه برای عقلا مهم نیست

3- آقای خوبی شما صحبت از بنا عقلا می کنید و می گوئید شارع بنا عقلا را ردع نکرده است بعد که بنا عقلا را می خواهید توضیح دهید می گوئید عقلا به خبر عادل و حسن عمل می کنند. آقای خوبی عقلا اصلاً عادل و حسن را لحاظ نمی کنند. چون اگر اینها را لحاظ کنند که می شود سیره متشرعه نه بنا عقلا

بله شما آقای خوبی مثل آقای آخوند غیر از بنا عقلا سیره متشرعه را هم مطرح کنید و این حرف ها را در آنجا بزنید.

4- مقدمه: فرض کنید عقلا اینها را (اقسام چهارگانه خبر) متوجه بشوند آیا عقلا به خبر حَسَن عمل می کنند؟ امور دینی از مهام امور است آیا عقلا مهام امورشان را به دست یک شیعه ای که مذمت و مدح خاص از او نشده است می دهند؟

استاد: من فقط ناقل اشکالات هستم؛ در بین این اشکالات دو اشکال اول در بین کلمات آقایان است اما دو اشکال بعدی را به راحتی پیدا نمی کنید.

و الحمد لله رب العالمین